

شماره: مب/۱۵۲۶

تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۱۵

بسمه تعالی

جهت اطلاع مدیران عامل محترم کلیه بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک

و موسسه‌های اعتباری توسعه و سینا ارسال می‌گردد

باسلام

همان‌گونه که استحضار دارید امروزه موضوع تدوین ضوابط ناظر بر "حاکمیت شرکتی (حاکمیت سهامی)" به یکی از موضوعات مهم نظام بانکداری تبدیل شده است، به گونه‌ای که اجرای دقیق این ضوابط که متضمن حفظ منافع کلیه ذی‌نفعان باشد، یکی از چالش‌های فراروی بانک‌ها و موسسات اعتباری را تشکیل می‌دهد. حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود. ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک‌های اسلامی، به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمام ذی‌نفعان شود، باعث کاهش هزینه‌ها می‌گردد. هزینه‌ها یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود، زیرا با افزایش مستمر هزینه‌ها نمی‌توان از منافع ذی‌نفعان به طور منصفانه حفاظت کرد، و این امر نیز در نهایت عدم اعتماد آنها به نظام بانکی را به دنبال خواهد داشت.

نظر به اهمیت موضوع حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی و جلوگیری از تعارض منافع میان سپرده‌گذاران با سهامداران (مالکان)، به پیوست گزارش "راهکارهای بومی‌سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران" به منظور فراهم‌سازی بستر لازم جهت اجرای این مهم ایفاد می‌گردد. /ب

اداره مطالعات و مقررات بانکی

امیرحسین امین‌آزاد

مهناز بهرامی

۳۸۳۱-۵

۳۸۱۶



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر

در نظام بانکداری ایران

ترجمه و تدوین: محمد روشندل

گروه مجوزهای بانکی

آذر ماه ۱۳۸۶

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	۱- مقدمه
۲	۲- اهمیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری
۳	۳- نقش حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی
۵	۴- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)
۷	۵- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB)
۱۵	۶- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه بانک تسویه بین‌المللی (BIS)
۲۱	۷- روش‌های پیشنهادی الگوی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم بانکداری ایران
	۷-۱- تأسیس بانک سرمایه‌گذاری متقابل و بکارگیری الگوی حاکمیت شرکتی
۲۱	از دیدگاه OECD
	۷-۲- اجرای دقیق قانون عملیات بانکی بدون ربا و بکارگیری الگوی تلفیقی حاکمیت
۲۵	شرکتی از دیدگاه IFSB و BIS
۲۷	۸- نتیجه‌گیری
۲۸	۹- فهرست منابع

۱- مقدمه

امروزه موضوع حاکمیت شرکتی به یکی از موضوعات مهم نظام بانکداری تبدیل شده است. بحث حاکمیت شرکتی از دهه ۱۹۹۰ میلادی در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیات مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد و به سرعت به سایر بخش‌ها و سیستم بانکداری تسری یافت. حاکمیت شرکتی را مجموعه روابط میان هیات مدیره، مدیریت، سهامداران و کلیه ذی‌نفعان از جمله کارکنان تعریف کرده‌اند که تامین‌کننده منافع کلیه اشخاص ذی‌نفع باشد. حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود.^۱ با وجود آنکه چهار رکن بنیادین حاکمیت شرکتی - انصاف^۲، شفافیت^۳، پاسخگویی^۴ و مسئولیت‌پذیری^۵ - فراتر از مرزهای ساختارهای متنوع فرهنگی، حقوقی، اقتصادی و غیره کشورها در تمام چارچوب‌های حاکمیت شرکتی مطرح است، در ساختار حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی علاوه بر موارد یادشده، رکن مهم آن مطابقت با قوانین شریعت اسلام می‌باشد. در این تحقیق سعی شده است که کلیه مباحث مربوط به تقویت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری - اعم از اسلامی و غیراسلامی - مورد بحث و بررسی قرار گیرد و سپس با توجه به نظام بانکداری ایران، که بر پایه قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی و بانکی استوار است، راهکارهایی جهت بومی‌سازی حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی ارائه شود.

^۱ - OECD Principles of Corporate Governance.

^۲ - Fairness.

^۳ - Transparency.

^۴ - Accountability.

^۵ - Responsibility.

۲- اهمیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری

بحران مالی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را در بر گرفت، تنها به خاطر مدیریت غلط اقتصاد کلان یا ضعف ساختارهای اقتصادی و یا شوک‌های شدید اقتصادی نبود، بلکه به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران، عامل اصلی این بحران متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی در میان شرکت‌ها و موسسات پولی و مالی بود. در بحران آسیا هنگامی ریسک سیستماتیک^۱ و مخاطرات تشدید شدند که بانک‌ها تحت تاثیر تحولات سیاسی قرار گرفتند و ضعف مشهود در بخش مدیریت آنها و عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری هیات مدیره و مدیریت ارشد بر گسترش بحران افزودند. در نتیجه، هزینه‌های حاکمیت شرکتی غلط موجب افزایش بحران‌های مالی شدند. در کشور اندونزی - که به یکی از بحرانی‌ترین کشورها در این برهه زمان تبدیل شد - تعهدات دولت به بانک‌های خصوصی از ۱۰۰ درصد GNP فراتر رفت. به علاوه، بحران‌های مالی باعث رکود شدید، افزایش فقر، تهدید ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهای شرق آسیا شد. حاکمیت شرکتی غلط تنها محدود به بازارهای نوظهور آسیایی نبود و بسیاری از کشورهای استقلال یافته شوروی سابق با مشکل حاکمیت شرکتی غلط مواجه شدند. حتی حاکمیت شرکتی غلط با مخفی نگهداشتن اطلاعات و ضعف نظارت و کنترل و انتشار اطلاعات، بسیاری از شرکت‌های معروف از جمله انرون^۲، وردکام^۳ و غیره، را با بحران‌های شدید مواجه ساخت.

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و از جمله بانک‌ها، مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. مطالعات صورت گرفته از کشورهای یادشده نشان می‌دهد که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.^۴

^۱ - مخاطراتی که خارج از کنترل شرکت‌ها یا بانک‌ها بوده و غالباً تحت تاثیر تحولات سیاسی و اقتصادی، چرخه‌های تجاری، تورم و بیکاری ایجاد می‌شوند.

^۲ - Enron.

^۳ - World com.

^۴ - Role of the Banking System in Ensuring Transparency & Disclosures; by Dr. Nasser Saidi.

۳- نقش حاکمیت شرکتي در نظام بانکداری اسلامی

دنیای بانکداری اسلامی، در عین حالی که در صدد حفظ اصول شریعت اسلامی می‌باشد، با چالش‌ها توسعه بین‌المللی مواجه است. مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتي در سیستم بانکداری عمدتاً مربوط به نظام بانکداری مرسوم (غیر اسلامی) است. علی‌رغم رشد سریع بانک‌های اسلامی از میانه دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آنها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتي در بانکداری اسلامی مطرح شده است. با وجود این، تحلیل‌گران بانکداری اسلامی، در صدد تطبیق حاکمیت شرکتي رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمده‌اند.

منابع تئوریک دو مدل از حاکمیت شرکتي ارائه کرده‌اند. نوع اول، مدل Anglo-American است که هدف آن منحصراً حداکثرسازی منافع سهامداران است. مطابق با این مدل، اگر هدف حداکثرسازی ارزش منافع سهامداران با منافع سایر ذی‌نفعان در تعارض باشد، سایر منافع ذی‌نفعان شرکت نادیده انگاشته می‌شود. نوع دوم، مدل Franco-German است که برعکس، تأکید آن بر حفاظت از منافع سایر ذی‌نفعان است. تحلیل‌گران معتقدند به این خاطر در مدل نخست منافع ذی‌نفعان (سپرده‌گذاران) به خوبی مدل Franco-German در بحث حاکمیت شرکتي در بانکداری مرسوم رعایت نشده است، که منافع تمام سپرده‌گذاران بر اساس نرخ از قبل تعیین شده بازده سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. اما در بانکداری اسلامی به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره، این مدل کارایی ندارد و لزوم حفاظت از منافع ذی‌نفعان کاملاً احساس می‌شود. کارکنان بانک‌ها از دیگر ذی‌نفعان سیستم بانکداری هستند که مشارکت‌شان جهت عملکرد کارایی بانک و مزایای پرداختی به آنها، هر دو توسط ساختار انگیزشی بانک تعیین می‌شود. با بهبود عملکرد بانک، حق‌الزحمه آنها افزایش و اثر انگیزشی تقویت می‌یابد. سیستم مالی خود یک ذی‌نفع است، زیرا ناتوانی بانک‌های عمده می‌تواند باعث ایجاد بحران و آسیب‌رسانی به کل اقتصاد شود. دولت نیز یک ذی‌نفع است، زیرا عملکرد موثر بانک‌ها می‌تواند منافع زیادی را برای دولت به همراه داشته باشد.

اقتصاد جامعه یک ذی نفع بزرگ است، زیرا عملکرد غیر موثر سیستم مالی می تواند اثر معکوسی در تمام بخش های اقتصاد و جامعه از طریق بی ثباتی و کاهش نرخ رشد اقتصادی ایجاد می کند. حتی در نظام مالی اسلامی، مهم ترین ذی نفع خود شریعت اسلام است، زیرا اگر بانک ها نتوانند حاکمیت شرکتی را به نحو احسن مطابق با اسلام اجرا کنند، بحث های منتقدین نظام بانکداری اسلامی و عدم توانایی مطابقت آن با دنیای نوین بانکداری تشدید خواهد شد.

ایجاد استانداردها و محدودیت های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک های اسلامی، به شیوه ای که بتواند حافظ منافع تمام ذی نفعان شود، باعث کاهش هزینه ها می گردد. هزینه ها یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی تلقی می شود، زیرا اگر هزینه ها افزایش یابد، دیگر نمی توان از منافع ذی نفعان به طور منصفانه حفاظت کرد. در نتیجه اگر ذی نفعان از عملکرد بانک رضایت نداشته باشند، منجر به از بین رفتن اعتماد ذی نفعان به این سیستم می شود و در نهایت رشد نامطلوبی را در بخش مالی و کل اقتصاد شاهد خواهیم بود. تشدید تعارض منافع منجر به بروز مشکلات عدیده می شود، این در حالی است که در بانکداری مرسوم، تعارض منافع عموماً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می شود و در بانکداری اسلامی بُعد مهم دیگر بروز تعارض در منافع سپرده گذاران با سهامداران (مالکان) است. بنابراین باید به دنبال راه حل مطلوبی جهت تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری اسلامی باشیم تا ضمن حفاظت از منافع سپرده گذاران، به خاطر عدم نقش داشتن آنها در انتخاب هیات مدیره و مدیران ارشد بانک، بتوان بانکداری بدون ربا را نیز دنبال کنیم. بر همین اساس، ابتدا کلیتی از اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، بانک تسویه بین المللی (BIS) و هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) مورد اشاره قرار می گیرد و سپس الگوی مناسبی از حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری ایران مطابق با قانون بانکداری بدون ربا ارائه خواهد شد.

۴- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۱

اصل ۱- تامین مبنایی برای چارچوب موثر حاکمیت شرکتی

چارچوب حاکمیت شرکتی باید به توسعه بازارهای شفاف و کارا کمک کند. با حاکمیت قانون سازگار باشد و تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها را بین سازمان‌های مختلف مسئول سرپرستی، نظارت و اجرا به روشنی شرح دهد.

اصل ۲- حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیت

چارچوب حاکمیت شرکتی باید حافظ حقوق سهامداران باشد و اعمال این حقوق را تسهیل کند. حقوق اساسی سهامداران شامل: روش‌های مطمئن ثبت مالکیت، نقل و انتقال سهام، دریافت اطلاعات مربوط و مهم در مورد شرکت به طور منظم و به هنگام، شرکت در مجمع عمومی و رای دادن، نصب و عزل اعضای هیات مدیره و سهام بودن در سود شرکت می‌باشد. سهامداران باید حق داشته باشند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تغییرات بنیادی در شرکت از جمله: اصلاحات اساسنامه یا دیگر اسناد حاکم بر شرکت، تصویب انتشار سهام اضافی و مبادلات غیرعادی شامل نقل و انتقال تمام یا بخش اعظم دارایی‌ها شرکت کنند و اطلاعات کافی در این زمینه داشته باشند. سهامداران باید مجال شرکت موثر و رای دادن در مجمع عمومی را داشته باشند.

اصل ۳- رفتار یکسان با سهامداران

چارچوب حاکمیت شرکتی باید رفتار یکسان با همه سهامداران، از جمله سهامداران اقلیت و خارجی را تضمین کند. همه سهامداران باید این امکان را داشته باشند که در برابر تجاوز به حقوق خود مقاومت کنند.

^۱ یادآور می‌شود کلیه مباحث مربوط به این موضوع در کتاب اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ترجمه مهسا رهبری خرازی اشاره شده است.

اصل ۴- نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی

چارچوب حاکمیت شرکتی باید حقوق ذی‌نفعان را که در قانون یا از طریق توافق‌های دو جانبه مشخص شده به رسمیت بشناسد و همکاری فعال میان شرکت‌ها و ذی‌نفعان را در ایجاد ثروت، شغل و ثبات شرکت‌هایی که از سلامت مالی برخوردارند را تقویت کند.

اصل ۵- افشاء و شفافیت

چارچوب حاکمیت شرکتی باید افشای به هنگام و دقیق تمام مسائل مهم از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکتی را تضمین کند.

اصل ۶- مسئولیت‌های هیات مدیره

چارچوب حاکمیت شرکتی باید متضمن ارائه رهنمودهای استراتژیک برای شرکت، نظارت موثر هیات مدیره بر مدیریت و پاسخگویی هیات مدیره در برابر شرکت و سهامداران باشد.

۵- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB)

بفش اول- (ویکرد) حاکمیت شرکتی

اصل ۱-۱- موسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی (IIFS)^۱ باید یک چارچوب حاکمیت شرکتی جامع ایجاد کند که در آن نقش‌ها و وظایف راهبردی هر بخش حاکمیت شرکتی نمایان شود و مکانیزم‌هایی جهت توازن پاسخگویی IIFS به سهامداران مختلف ایجاد گردد.

۱- در تدوین این چارچوب حاکمیت شرکتی، باید نقش‌ها و وظایف هر بخش حاکمیت شرکتی شامل هیات مدیره، کمیته‌های مربوطه، مدیریت اجرایی، هیات نظارت بر شریعت اسلامی^۲ و حسابرسان داخلی و خارجی و غیره مشخص شوند و مکانیزم‌هایی جهت توازن پاسخگویی هر بخش حاکمیت شرکتی به ذی‌نفعان مختلف ایجاد شود.

۲- هیات مدیره هر موسسه خدمات مالی اسلامی، به‌عنوان سیاست‌گذاران داخلی، باید مسئولیت تدوین چارچوب سیاست حاکمیت شرکتی را بر عهده داشته باشند. هیات مدیره باید یک کمیته حاکمیت شرکتی متشکل از حداقل ۳ نفر تشکیل دهد که هماهنگ‌کننده و تکمیل‌کننده اجرای چارچوب حاکمیت شرکتی باشند.

۳- کمیته حاکمیت شرکتی باید اختیار انجام فعالیت‌های ذیل را داشته باشد.

الف- کنترل و نظارت بر اجرای چارچوب حاکمیت شرکتی با همکاری مدیریت، کمیته حسابرسی و هیات نظارت بر شریعت اسلامی؛

ب- ارائه گزارش‌ها و توصیه‌هایی به هیات مدیره درخصوص اجرای فعالیت‌ها؛

۴- نقش‌ها و وظایف کمیته حاکمیت شرکتی نباید با نقش‌ها و وظایف کمیته حسابرسی تداخل پیدا کند. در واقع نقش‌های کمیته حاکمیت شرکتی باید تکمیل‌کننده آن بخش از کمیته حسابرسی باشد که در برخی وظایف حاکمیت شرکتی به فعالیت‌های حسابداری مبادرت می‌ورزند.

^۱ - Institutions offering only Islamic Financial Services.

^۲ - Shartha Supervisory Board (SSB)

۵- ممکن است تعارض منافی میان سهامداران (مالکان) و ذی‌نفعان (صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری)^۱ ایجاد شود که برای کمیته حسابرسی مشکل‌زا باشد. اگر کمیته حسابرسی از منظر منافع هر دو گروه بر فعالیت‌ها نظارت کند، آنگاه وظایف و مسئولیت‌های آنها شفاف‌تر و متمرکزتر می‌شود.

۶- هیات مدیره در تعیین اعضای کمیته حاکمیت شرکتی باید اطمینان حاصل کند که هر عضو نقش موثری در کمیته خواهد داشت و هیات مدیره باید گروهی متنوع و با تجارب مختلف تشکیل دهد که از تمرکز گروه بر یک مسیر و یک دیدگاه جلوگیری به عمل آید. بنابراین رعایت نکات ذیل در همین ارتباط ضروری به نظر می‌رسد:

الف- بهتر آن است که مدیریت کمیته حاکمیت شرکتی بر عهده یک مدیر غیرموظف باشد. این فرد باید علاوه بر دارا بودن مهارت‌های مرتبط همچون توانایی درک و استنباط صورت‌های مالی، توانایی هماهنگی و ارتباط نقش‌های تکمیلی و وظایف کمیته حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی را نیز داشته باشد.

ب- لازم است که یکی از اعضای هیات نظارت بر شریعت اسلامی به عضویت کمیته حاکمیت شرکتی درآید.

ج- ترجیحاً^۲ نفر سوم از اعضای کمیته حاکمیت شرکتی یک مدیر غیرموظف مستقل باشد که از مهارت‌های متنوع جهت کمک به کمیته یادشده برخوردار باشد.

۷- یکی از اهداف اصلی کمیته حاکمیت شرکتی باید حفاظت از منافع ذی‌نفعان نسبت به سهامداران باشد. کمیته حاکمیت شرکتی نباید همچون اعضای هیات مدیره عمل کند، بلکه هماهنگی بیشتری با مقامات نظارتی بانک مرکزی داشته باشد. در مواردی که اختلافی بین کمیته حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرس ایجاد شود، مسئولیت نهایی مصالحه با هیات مدیره است.

^۱ - Investment Account Holders (IAH).

اصل ۲-۱- موسسات خدمات مالی اسلامی باید نسبت به ارائه گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی، که مطابق با اصول استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده حسابداری و منطبق با قوانین و مقررات شریعت اسلامی باشد، اطمینان حاصل کند و اینکه این گزارش‌ها در صنعت خدمات مالی اسلامی قابل اجرا و توسط مقامات نظارتی بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی شناخته شده است.

۸- هم چنانکه فعالیت‌های صنعت خدمات مالی اسلامی در دنیای کنونی در حال رشد بوده و بر بازارهای مالی جهانی تاثیرگذار است، موسسات خدمات مالی اسلامی باید از استانداردهای شناخته شده گزارش‌دهی بین‌المللی تبعیت کنند. ضمن اینکه باید نسبت به هم‌خوانی گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی با خدمات مالی اسلامی اطمینان حاصل شود. اهمیت فرآیندهای حسابداری مناسب برای حاکمیت شرکتی در موارد ذیل احساس می‌شود:

الف- استفاده از خدمات حسابداران و مشاوران و یافته‌های حسابرسان در استفاده موثر و به موقع جهت حل مشکلات پیش‌رو
ب- حفظ استقلال حسابرسان داخلی و خارجی

۹- هیات مدیره هر موسسه خدمات مالی اسلامی باید یک کمیته حسابرسی متشکل از حداقل ۳ عضو (یک رئیس و دو عضو) تشکیل دهند که توسط اعضای غیرموظف هیات مدیره انتخاب شده و با مسائل مالی و تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و اسناد حسابداری آشنایی داشته باشند. مسئولیت اصلی کمیته حسابرسی انجام وظایف ذیل است:

الف- بررسی و نظارت بر کل فرآیندهای حسابداری موسسه خدمات مالی اسلامی از طریق همکاری با حسابرسان داخلی و خارجی
ب- ارائه گزارش و توصیه‌هایی به هیات مدیره مطابق اصول استانداردهای حسابداری و قوانین شریعت اسلامی

۱۰- کمیته حسابرسی باید با هر دو گروه هیات نظارت بر شریعت اسلامی و کمیته حاکمیت شرکتی هماهنگ و در ارتباط باشد تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات با

قوانین شریعت اسلامی و اصولی که موسسات خدمات مالی اسلامی منتشر کرده است، مطابقت دارد.

بخش دوم- مقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری (IAH)

اصل ۱-۲- موسسات خدمات مالی اسلامی باید حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را از طریق نظارت آنها بر عملکرد سرمایه‌گذاری‌هایشان و مخاطره‌های مرتبط به رسمیت بشناسد و شرایط مناسبی مهیا نموده تا نسبت به رعایت حقوق آنها اطمینان حاصل شود.

۱۱- به لحاظ مفهومی، تحت اصل مضاربه، دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری به عنوان مالک سپرده‌ها متحمل ریسک از دست دادن وجوه خویش می‌شوند. این بدان معنا است که ریسک سرمایه‌گذاری آنها مشابه سهامداران موسسه خدمات مالی اسلامی هستند که متحمل ریسک از دست دادن سرمایه‌شان به عنوان مالکان موسسه می‌شوند. به هر حال موسسه خدمات مالی به عنوان عامل (امانت‌دار) تحت قرارداد مضاربه، به دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری بدهکار می‌باشد که مشابه بدهکاری آنها به سهامداران است. در این زمینه، موسسه خدمات مالی به عنوان عامل، اشاره به مدیریت و سهامداران آن دارد، زیرا سهامداران مدیریت موسسه را انتخاب نموده و از این طریق حافظ منافع خویش می‌باشند، اما دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری نقشی در انتخاب هیات مدیره ندارند. بنابراین باید همیشه در تشریح وظایف امانت‌داری، مدیریت و سهامداران را به عنوان عامل و دارندگان حساب سرمایه‌گذاری را به عنوان مالک سپرده‌ها در نظر گرفت.

۱۲- در همین ارتباط، موسسه خدمات مالی اسلامی باید وظیفه امانت‌داری را در قبال دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، چه نحوه سرمایه‌گذاری تحت قرارداد مضاربه محدود یا نامحدود قید شده باشد، به نحو احسن انجام دهد، به طوری که منافع حاصله از سرمایه‌گذاری آنها از منافع سهامداران و مالکان کمتر نباشد.

۱۳- از این رو مناسب است که IIFS حقوق ذی نفعان (دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری) را برابر با حقوق سهامداران (مالکان) در نظر بگیرد و حقوق آنها را در دسترسی به اطلاعات مرتبط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به رسمیت بشناسد. این اقدام باعث کمک به دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در تصمیم‌گیری آگاهانه نسبت به سرمایه‌گذاری می‌شود.

۱۴- حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری جهت نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری‌هایشان نباید به عنوان حق مداخله در مدیریت سرمایه‌گذاری توسط IIFS تعبیر شود. باید اشاره شود که در موسسات خدمات مالی اسلامی، سهامداران که حق رای‌گیری در مجمع عمومی، انتصاب مدیران و حسابرسیان را دارند، حق دخالت مستقیم در اسناد IIFS را ندارند. بنابراین تنها ضروری است که IIFS در مورد سیاست‌ها و فعالیت‌های مرتبط با سپرده‌های سرمایه‌گذاری به ذی نفعان اطلاع‌رسانی کند.

۱۵- موسسه خدمات مالی اسلامی باید درخصوص نحوه سرمایه‌گذاری دارایی‌ها، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری اولیه و تخصیص دارایی و شیوه محاسبه سود و زیان ناشی از آنها به ذی نفعان اطلاع‌رسانی کند.

۱۶- کمیته حاکمیت شرکتی موسسه خدمات مالی اسلامی باید مسئولیت حفاظت از حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری و اطمینان خاطر از افشای اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های وجوه به شیوه موثر و اجرای صحیح قراردادهای سرمایه‌گذاری را بر عهده داشته باشد.

اصل ۲-۲- موسسات خدمات مالی اسلامی باید یک استراتژی سرمایه‌گذاری صحیحی را دنبال کنند که تعادل مناسبی میان ریسک و بازده مورد انتظار برقرار شود و برنامه شفافی در مورد هموارسازی بازده‌های حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها (سود)^۱ اجرا کند.

^۱ - Smoothing any Returns، ایجاد یک حساب ذخیره تعدیل سود در صورت حساب سود و زیان که در مواقع زیان حاصله در قرارهای اسلامی، بخشی از این حساب به حساب دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری (ذی نفعان) انتقال یابد.

۱۷- عموماً دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در جستجوی سرمایه‌گذاری با ریسک کم و بازده‌های باثبات هستند- یک استراتژی سرمایه‌گذاری تدافعی (ریسک کم و بازده کم)- در حالی که سهامداران ممکن است درصدد اجرای استراتژی سرمایه‌گذاری تهاجمی (ریسک زیاد و بازده زیاد) باشند. این وضعیت ممکن است منجر به تعارض منافع بین دو گروه شود. هموارسازی بازده‌های سرمایه‌گذاری ممکن است مشکل به وجود آمده را از میان ببرد. با وجود این، هموارسازی سود اثری بر ریسک ندارد.

۱۸- از آنجا که بخشی از سود تقسیمی به سهامداران به حساب سود و زیان انباشته منتقل و بخشی به صورت سود تخصیصی (سود پرداختی) به آنها واگذار می‌شود و این در حالی است که دارندگان حساب سرمایه‌گذاری تنها از سود و زیان حاصل از قرارداد منتفع می‌شود، لزوم اجرای هموارسازی سود احساس می‌شود. لذا اجرای این برنامه باعث پرداخت سود به ذی‌نفعان بر اساس نرخ بازده تجمعی حاصل از چندین سال سرمایه‌گذاری می‌گردد.

۱۹- موسسه خدمات مالی باید دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را درخصوص انباشت و یا برداشت از حساب ذخیره تعدیل برای افزایش توزیع سود به آنها، اطلاع‌رسانی کند.

۲۰- به منظور حصول اطمینان از اجرای مناسب برنامه هموارسازی سود، کمیته حاکمیت شرکتی باید نحوه استفاده از آن را مورد بررسی دقیق قرار داده و توصیه‌های مناسبی به هیات مدیره ارائه دهد.

بخش سوم- مطابقت با قوانین شریعت اسلامی

اصل ۱-۳- موسسات خدمات مالی اسلامی باید مکانیزم مناسبی جهت استخراج جهت قوانین از منابع شریعت اسلامی و بکارگیری فتوای فقها و نظارت بر اجرای قوانین شریعت اسلامی در تمام جنبه‌ها و فعالیت‌های خدمات مالی به کارگیرد.

۲۱- به عنوان اصل تبعیت از قوانین شریعت اسلامی، هیات مدیره نیازمند تدوین مکانیزمی است که بتواند به سرعت و به طور کارا تحرک پذیر باشد و قوانین را از منابع شریعت اسلامی استخراج و بر مطابقت با قوانین اسلام نظارت داشته باشد.

۲۲- موسسه خدمات مالی اسلامی در مواردی که مناسب است، مقامات نظارتی بانک مرکزی را در مورد مکانیزم‌های استخراج قوانین از شریعت اسلامی مطلع سازد.

اصل ۲-۳- موسسات خدمات مالی باید از قوانین و اصول شریعت اسلام تبعیت کند. ضمن اینکه باید این قوانین را در اختیار عموم قرار دهد.

بخش چهارم- شفاف‌سازی گزارش مالی در ارتباط با دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری

اصل ۴- موسسات خدمات مالی اسلامی باید از افشای کافی و به موقع در مورد اطلاعات مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به ذی‌نفعان اطمینان حاصل کند.

۲۳- در ارتباط با حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری جهت نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاران باید از نحوه محاسبه سود، تخصیص دارایی، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و مکانیزم‌های هموارسازی در ارتباط با حساب‌های سرمایه‌گذاری مطلع شوند.

۲۴- دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری باید در مورد هر بخش مربوط به معاملات و اقدامات موسسه خدمات مالی اسلامی مطلع شوند. افشای کافی و به موقع اطلاعات مربوطه جهت توسعه شفاف‌سازی، پاسخگویی مسئولان و مدیریت ریسک حیاتی است.

۲۵- اطلاعات بر پایه توزیع سود و تخصیص آن باید قبل از افتتاح حساب سرمایه‌گذاری تهیه و به اطلاع عموم برسد. ضمن اینکه تغییر مستمر اطلاعات متأثر از تغییرات قابل ملاحظه در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری باید به اطلاع ذی‌نفعان برسد.

۲۶- بکارگیری ذخایر تعدیل سود، جهت هموارسازی سود باید از طریق گزارش

سالانه موسسه خدمات مالی اسلامی به اطلاع ذی نفعان و سهامداران برسد.

۲۷- موسسات خدمات مالی اسلامی باید اطلاعاتی را در مورد هیات مدیره (همچون

آیین نامه‌ها، تعداد اعضا، نحوه انتخاب، شرایط واجد شرایط اعضا و ...)،

ساختار مالکیت (همچون مالکان عمده، نحوه رای گیری مجامع، مالکان ذینفع،

سهامداران عمده که در هیات مدیره فعالیت دارند و یا جزو مدیریت ارشد هستند

و جلسات سهامداران و ...)، ساختار سازمانی (همچون نمودار سازمانی، جلسات

مدیریت و ...)، اطلاعاتی در مورد برنامه‌های تشویقی حقوق و مزایا (همچون

میزان پرداخت، پاداش‌ها، اختیار خرید سهام و ...)، اصول فعالیت تجاری و

اخلاقی شرکت و یا هر نوع ساختار یا سیاست‌های حاکمیت شرکتی در مواردی

که IIFC مالک آن می‌باشد و برنامه مالکیت شرکتی و اهداف آن و چگونگی

اجرای آن را به اطلاع عموم برساند.

۶- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه بانک تسویه بین‌المللی (BIS)

اصل ۱- اعضای هیات مدیره باید جهت تصدی سمت‌ها و ابعاد شرایط بوده و درک روشنی از

نقش حاکمیت شرکتی داشته و توانایی اجرای قضاوت صمیم درخصوص امور بانک را دارا باشند.

اعضای هیات مدیره مسئولیت نهایی صحت فعالیت‌های عملیاتی و مالی بانک را بر عهده دارند. در صورتی که هیات مدیره موارد ذیل را دنبال کند، حاکمیت شرکتی یک بانک تقویت خواهد شد:

- نقش نظارتی خویش را به خوبی درک کرده و آن را به کار گیرد، به خصوص در مورد انواع ریسک‌های پیرامون فعالیت‌های بانک
- استراتژی اصلی فعالیت تجاری بانک را به تصویب رساند، که شامل تصویب سیاست کلی ریسک و دستورالعمل‌های مدیریت ریسک می‌باشد.
- نقش وفاداری و وظیفه مراقبت از بانک را تحت قوانین ملی و استانداردهای نظارتی اجرا کند.
- از تعارض منافع و بروز تعارض‌ها در فعالیت‌ها و تعهدات به سایر سازمان‌ها جلوگیری نماید.
- زمان و انرژی کافی جهت اجرای مسئولیت‌ها قرار دهد.
- هیات مدیره را به شیوه‌ای (همچون اندازه) سازماندهی کنند که کارایی و تصمیمات استراتژیک واقعی بهبود یابد.
- همچنان که بانک به لحاظ اندازه و پیچیدگی رشد پیدا می‌کند، سطح مناسبی از اجرای فعالیت‌ها را توسعه و حفظ کند.
- به صورت دوره‌ای، اثربخشی برنامه‌های حاکمیت شرکتی مربوط به خودشان، همچون انتخاب اعضای هیات مدیره و مدیریت تعارض منافع را ارزیابی و به شناسایی نقاط ضعف و تغییرات مورد نیاز بر اساس آن بپردازد.
- مدیران اجرایی کلیدی را انتخاب و بر فعالیت‌های آنها نظارت و در صورت لزوم آنها را جا به جا کند.

- جلسات منظمی با مدیریت ارشد و حسابرسان داخلی برگزار نموده تا سیاست‌ها را مورد ارزیابی و میزان دستیابی به اهداف شرکت را بررسی نماید.
- صحت و سلامت فعالیت‌های بانک را ارتقاء دهد و محیط پیرامون بانک را درک و اطمینان حاصل کند که بانک یک ارتباط موثر با مقامات نظارتی برقرار کرده‌است.
- از مشارکت هیات مدیره در فعالیت‌های روزمره مدیریت بانک اجتناب شود.
- حداکثر سعی و تلاش در استخدام و نظارت بر حسابرسان خارجی، در صورتی که در اساسنامه این وظایف بر عهده آنها باشد، را بکار گیرند.

اصل ۲- هیات مدیره باید اهداف استراتژیک بانک را تعیین و بر دستیابی به آنها نظارت

داشته باشد و ارزش‌های شرکتی که در سراسر سازمان بانک جریان دارد را دنبال کند. هیات مدیره در تعیین اهداف استراتژیک باید به منافع سهامداران و سپرده‌گذاران توجه لازم مبذول کند و اطمینان حاصل نماید که این اهداف و استانداردها به طور گسترده‌ای درون سازمان جریان دارد. هیات مدیره باید اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد برنامه‌های استراتژیک و دستورالعمل‌های مربوطه را اجرا می‌کند. ضمن اینکه باید اطمینان یابد که مدیریت ارشد مانع تضعیف حاکمیت شرکتی همچون بروز تعارض منافع شده است.

اصل ۳- هیات مدیره باید خطوط مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را در سراسر سازمان به طور

شفاف تعیین و تقویت نماید.

هیات مدیره کارآمد باید اختیارات و مسئولیت‌های حساس خویش و مدیریت ارشد را به طور شفاف تعیین کند. آنها همچنین باید خطوط نامشخص پاسخگویی، خطوط مسئولیت‌پذیری چندگانه که بر بروز مشکلات می‌افزاید را شناسایی کنند. هیات مدیره باید در قبال فعالیت‌های مدیریت ارشد مسئول باشد و مدیریت ارشد در برابر وظایف تفویض شده به کارمندان زیردست و ایجاد یک ساختار مدیریت که پاسخگویی را ارتقا بخشد، مسئولیت دارد.

اصل ۴- هیات مدیره باید نسبت به نظارت مناسب بر مدیریت ارشد، که با سیاست هیات

مدیره سازگار باشد، اطمینان حاصل کند.

مدیریت ارشد شامل یک تعداد از افراد رده بالای سازمان است، به عنوان مثال مدیر امور مالی، اعتبارات و غیره. هیات مدیره باید درخصوص دارا بودن مهارت کافی این مدیران در مدیریت و نظارت مناسب بر حوزه زیرمجموعه خویش اطمینان حاصل کند. این مدیران با مدیریت صحیح و نظارت موثر بر حوزه خویش و همخوانی فعالیت‌های زیر مجموعه با سیاست‌ها و دستورالعمل‌های تعیین شده از سوی هیات مدیره، نقش موثری در اجرای حاکمیت شرکتی ایفا می‌کنند. یکی از وظایف اصلی مدیریت ارشد تاسیس یک سیستم موثر کنترل داخلی، تحت سیاست‌های هیات مدیره، می‌باشد. ضمن اینکه تصمیمات حساس مدیریت نباید توسط یک نفر اتخاذ شود.

اصل ۵- هیات مدیره و مدیریت ارشد باید سیستم کنترل داخلی کارایی را برقرار و به‌طور موثری

از اقدامات و رهنمودهای مسابرسان داخلی و مسابرسان خارجی استفاده‌کند.

هیات مدیره باید نسبت به دانش تخصصی حسابرسان مستقل بودن آنها و وجود یک سیستم مناسب کنترل داخلی اطمینان حاصل کند. اجرای دقیق آنها نقش به‌سزایی در تقویت حاکمیت شرکتی خواهد داشت.

اصل ۶- هیات مدیره باید درخصوص سیاست‌های حقوق و مزایا و فعالیت‌های مرتبط با

فرهنگ ماکمیت شرکتی بانک، اهداف و استراتژی بلندمدت و کنترل ممیما

اطمینان حاصل کند.

فقدان ارتباط لازم میان حقوق و مزایای اعضای هیات مدیره و مدیریت ارشد با استراتژی تجاری بلندمدت می‌تواند منجر به تقابل منافع بانک با ذی‌نفعان شود. اعضای هیات مدیره باید حقوق و مزایای خویش و مدیریت ارشد را به گونه‌ای تعیین کنند که با فرهنگ بانک، اهداف و استراتژی بلندمدت و کنترل محیط سازگار باشد.

اصل ۷ - فعالیتهای بانک باید به یک شیوه شفاف و روشن اجرا شود.

شفاف سازی برای اطمینان خاطر از صحت و کارایی حاکمیت شرکتی ضروری می باشد. در مواقع فقدان شفافیت و وضوح فعالیتها، نظارت موثر ذی نفعان، سهامداران و مشارکت کنندگان بازار دشوار است و پاسخ گویی صحیحی از سوی هیات مدیره و مدیریت ارشد صورت نمی گیرد. مواقعی که افراد یاد شده اطلاعات کافی درخصوص ساختار مالکیت و اهداف بانک دریافت نکنند، قادر نخواهند بود اثربخشی هیات مدیره و مدیریت ارشد را ارزیابی کنند. افشای عمومی مناسب فعالیتها باعث نظم بخشی بازار و تقویت حاکمیت شرکتی می شود و در عین حال نظارت اثربخش تری از سوی ناظران پولی صورت می گیرد. افشای موارد ذیل هرچند تمام موارد جامع را در بر نمی گیرد، اما باعث تقویت حاکمیت شرکتی در بانک می شود:

- ساختار هیات مدیره (همچون مقررات، اندازه، اعضاء، فرآیند انتخاب شرایط واجد شرایط، سایر موارد مربوط به مدیریت، معیارهای داشتن استقلال کاری، منافع آنها در معاملات یا مواردی که بانک را تحت تاثیر قرار دهد، اعضای کمیته، نمودار و مسئولیتها) و ساختار مدیریت ارشد (همچون مسئولیتها، خطوط گزارش دهی و تجارب)
- ساختار اساسی مالکیت (به عنوان مثال مالکان اصلی، نحوه رای گیری، مالکان ذی نفع، مشارکت سهامداران اصلی در هیات مدیره یا در پستهای مدیریت ارشد، جلسات سهامداران)
- ساختار سازمانی (همچون نمودار سازمانی، واحدهای تجاری، شرکت های تابعه و کمیته های مدیریت)
- اطلاعاتی درباره ساختار تشویقی بانک (همچون سیاست های حقوق و دستمزد، مزایای مدیران، پاداش ها و اختیار خرید سهام)
- اصول فعالیت های تجاری و اخلاقی بانک، مرتبط با سیاست ها و ساختار حاکمیت شرکتی.
- در مواردی که بانک مالک محسوب می شود، لازم است سیاست مالکیتی تعریف شود که در برگیرنده اهداف اصلی مالکیت، نقش آن در حاکمیت شرکتی بانک و چگونگی اجرای سیاست مالکیت باشد.

- مشخص کردن سیاست‌های بانک مرتبط با تعارض منافع، ماهیت و نوع معاملات با اشخاص و گروه‌های وابسته (همچون مواردی که اعضای هیات مدیره و مدیریت ارشد منافی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم یا از طریق اشخاص ثالث کسب خواهند کرد).

اصل ۸ - هیات مدیره و مدیریت ارشد باید ساختار فعالیت‌های عملیاتی بانک را کاملاً درک

کند، همچون مواردی که بانک از مجرای اختیارات قانونی یا به واسطه ساختار بانک مانع شفاف‌سازی می‌شود.

چالش‌های حاکمیت شرکتی زمانی بروز می‌کند که بانک‌ها فعالیت‌شان را از طریق ساختاری دنبال کنند که مانع شفاف‌سازی شود، یا ساختار بانک‌ها به گونه‌ای باشد که از طریق اختیارات قانونی خاصی فعالیت‌های خویش را دنبال کنند که مانع شفاف‌سازی شود و فعالیت خویش را مشروعیت بخشند. در این شرایط لازم است که ساختار فعالیت‌های عملیاتی به گونه‌ای اصلاح شود تا حداکثر شفاف‌سازی حاصل گردد. به علاوه، افزایش ریسک‌های پیرامون بانک با ساختار پیچیده و غیرشفاف ارتباط دارد. در همین ارتباط، هیات مدیره باید گام‌های ذیل را جهت اطمینان از شناسایی و مدیریت ریسک بردارد:

- هیات مدیره باید اطمینان حاصل کند که مدیریت، سیاست‌های روشنی در ارتباط با هدایت فعالیت‌ها از طریق ساختار حاکمیت شرکتی یا اختیارات قانونی که مانع شفاف‌سازی می‌شود، تعیین کرده است.
- کمیته حسابرسی باید بر فرآیند حسابرسی داخلی نظارت کند و نتایج گزارش را به طور واقعی به هیات مدیره اعلام نماید.
- سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و استراتژی‌های مناسبی در شرایط وجود ساختارها، ابزارها و محصولات مالی پیچیده تعیین کند. در حالی که، هیات مدیره مسئولیت نظارت کلی و تصویب سیاست‌ها را برعهده دارد، مدیریت ارشد مسئول شناسایی و مدیریت ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های بانک است.

نقش ناظران بر فعالیت‌های بانک

ناظران بانک نقش کلیدی در ارتقای حاکمیت شرکتی موثر در بانک‌ها دارند.

اصول ذیل می‌تواند به ناظران بانکی در ارزیابی حاکمیت شرکتی بانک کمک نماید:

- ناظران بانکی باید رهنمودهایی در مورد صحت حاکمیت شرکتی و اقدامات پیش‌گیرانه در زمینه بروز مشکلات در زمینه حاکمیت شرکتی به بانک‌ها اعلام کنند.
- ناظران بانکی باید حاکمیت شرکتی را به عنوان یک جزء حیاتی حفاظت از منافع سپرده‌گذاران در نظر بگیرند.
- ناظران بانکی باید مشخص کنند که بانک سیاست‌ها و اقدامات حاکمیت شرکتی را پذیرفته و آنها را به طور موثری اجرا می‌کنند.
- ناظران بانکی باید کیفیت حسابرسی و اقدامات کنترلی بانک‌ها را ارزیابی کنند.
- ناظران بانکی باید اثرات ساختار گروهی یا شرکت متعلق به بانک را بر حاکمیت شرکتی ارزیابی کنند.
- ناظران بانکی باید هیات مدیره و مدیریت ارشد را در قبال مشکلات ناشی از حاکمیت شرکتی پاسخ‌گو بدانند و آنها را ملزم به بکارگیری تدابیر اصلاحی و به موقع جهت بهبود حاکمیت شرکتی در بانک نمایند.

۷- روش‌های پیشنهادی الگوی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم بانکداری ایران

از آنجایی که سیستم بانکداری ایران بر پایه دو قانون پولی و بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا بنا نهاده شده است، می‌بایست الگوهای پیشنهادی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم بانکی مطابق با آنها باشد. همانطور که اشاره شد، الگوهای رایج حاکمیت شرکتی در بانکداری مرسوم جهانی، که براساس نظام دریافت و پرداخت بهره استوار است، مورد قبول جوامع اسلامی از جمله ایران نمی‌باشد. لذا الگو برداری از حاکمیت شرکتی، نظیر آنچه در کشورهای غربی مرسوم است و تفاوت ماهوی با سیستم بانکداری اسلامی دارد، مطرود و کارآیی چندانی در بر نخواهد داشت. اگرچه می‌توان اشتراکات میان نظام بانکداری مرسوم و اسلامی را جهت تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری اسلامی بکار برد، اما اجرای این الگوها بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بنیادین میان دو نظام بانکداری، نه تنها باعث اجرای اصول حاکمیت شرکتی نخواهد شد که باعث تشدید مشکلات مربوط در این زمینه در بانک‌ها نیز می‌گردد. زیرا منافع ذی‌نفعان در بانکداری مرسوم با تعیین نرخ بهره از قبل مشخص شده تامین می‌شود، در حالی که در سیستم بانکداری اسلامی اعمال این روش مغایر با شریعت اسلامی است.

بر همین اساس، دو الگوی پیشنهادی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم بانکداری ایران براساس اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و دیدگاه برخی از صاحب‌نظران که مغایرتی با قوانین شرع اسلام ندارد و نیز اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیات خدمات مالی اسلامی و بانک تسویه بین‌المللی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۷-۱- تأسیس بانک سرمایه‌گذاری متقابل^۱ و بکارگیری الگوی حاکمیت شرکتی OECD:

بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل

بانک سرمایه‌گذاری متقابل در واقع نوعی از واسطه‌گرهای مالی محسوب

۱- Mutual Fund Bank، نوعی بانک که در آن مشتریان، مدیران را انتخاب می‌کنند و در سود

حاصله از فعالیت‌های تجاری شریکند.

می‌شود. افرادی که سپرده‌های جاری را نزد این واسطه‌گری‌های مالی نگه می‌دارند، مالکان اصلی این بانک می‌باشند. معمولاً ارزش اسمی سپرده‌های نگهداری شده نیز ثابت نمی‌باشد و مخاطره این سپرده‌ها با تشکیل سبد سرمایه‌گذاری تحت پوشش قرار می‌گیرد. امروزه، ظهور و گسترش بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل، تحولی شگرف در سیستم بانکداری و موسسات مالی ایجاد کرده است که در جهت عدم مداخله دولت در امور اقتصادی^۱ گام بر می‌دارد.

بحران موسسات سپرده‌گیرنده جاری

امروزه گزینه‌های جذب سرمایه، ثبات مالی و امنیت پولی به یکی از مشکلات حاد موسسات سپرده‌گیرنده جاری تبدیل شده است. آنها معمولاً از برنامه بیمه سپرده^۲ در جهت بی‌ثباتی‌های ساختار بدهی استفاده می‌کنند. این گونه بی‌ثباتی‌ها باعث عدم مطابقت سررسید دارایی‌ها با بدهی‌ها شده و در نهایت منجر به ورشکستگی آنها می‌شود. با وجود آن که بیمه سپرده، مشکل اصلی بی‌ثباتی مالی را حذف کرده است، لکن هزینه آنها بالا می‌باشد. در بلندمدت، سیستم بیمه سپرده جاری نیز تاثیری در کاهش مخاطره موسسات ندارد، زیرا افزایش هزینه‌ها باعث زیان سپرده‌گذاران خواهد شد. از این‌رو، جهت حل مشکلات عدیده‌ای که این گونه موسسات سپرده‌گیرنده با آنها مواجه بودند، تاسیس بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل مطرح شد.

بانک سرمایه‌گذاری متقابل

ترکیب ترازنامه این گونه بانک‌ها با سایر بانک‌های مرسوم متفاوت است. هر دو قسمت دارایی و بدهی ترازنامه این گونه بانک‌ها تفاوتی با سایر ترازنامه‌های بانک‌ها دارد. در بخش بدهی، سپرده‌های بانک سرمایه‌گذاری متقابل به عنوان مطالبه پرتفوی

۱- Laissez Faire.

۲- Deposit Insurance.

(سبد) دارایی بانک نشان داده می‌شود.^۱ از سوی دیگر، این گونه بدهی‌ها ممکن است باعث نوسان پذیری ارزش اسمی سهام بانک براساس تغییر ارزش سبد دارایی‌ها شود.^۲ در بخش دارایی، یک طیف گسترده‌ای از دارایی‌ها از جمله سهام، اوراق قرضه، اوراق تجاری، کالاها و هر آنچه به عنوان ابزار سرمایه‌گذاری مطرح است، قرار دارد. ساختار مالکیت و مدیریت بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل توجه تحلیل‌گران را جلب کرده است. در این سیستم بانکداری، سپرده‌گذاران همان سهامداران (مالکان) بانک هستند. تنها کسانی مالک محسوب می‌شوند که حساب سپرده نزد بانک افتتاح کرده باشند. در بانک سرمایه‌گذاری متقابل، هرچند سپرده‌گذاران (مالکان) در گروه مطالبه‌کنندگان باقی‌مانده^۳ قرار می‌گیرند، اما آنها جزو مطالبه‌کنندگان مستقیم دارایی‌های بانک سرمایه‌گذاری قرار دارند و بازده سرمایه‌گذاری به عملکرد پرتفوی بانک بر می‌گردد. در سیستم بانکداری مرسوم، سپرده‌گذاران، برخلاف سیستم بانکداری سرمایه‌گذاری متقابل جزو مطالبه‌کنندگان اولیه قرار می‌گیرند و سهامداران (مالکان) جزو مطالبه‌کنندگان باقی‌مانده قرار دارند.

۱- در بانکداری مرسوم - و از جمله بانک‌های خصوصی در ایران - دو گروه سپرده‌گذاران و سهامداران تشکیل دهنده بخش اصلی ساختار ارقام سمت چپ ترازنامه می‌باشند. سپرده‌گذاران به عنوان طلبکاران بانک در قسمت بدهی و سهامداران به عنوان مالکان بانک در بخش صاحبان سهام قرار می‌گیرند. اما در بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل، دیگر دو گروه سپرده‌گذار و سهامداران وجود ندارند و در واقع سپرده‌گذاران و سهامداران به عنوان مالکان بانک قلمداد می‌شود. از آنجا که در این سیستم بانکی، بهره‌ای به سپرده‌گذاران تعلق نمی‌گیرد و بازده حاصل از سرمایه‌گذاری جایگزین آن می‌شود، سپرده‌های بانک سرمایه‌گذاری متقابل به عنوان مطالبه پرتفوی (سبد) دارایی نشان داده می‌شود.

۲- نوسان‌پذیری ارزش اسمی سهام منتشره بانک‌ها (که در واقع بدهی بانک محسوب می‌شود) براساس عملکرد عملیاتی و سودآوری آنها است. از سوی دیگر صاحبان سهام همان سپرده‌گذاران و مالکان بانک می‌باشند.

۳- Residual Claims، افرادی که مطالبه آنها پس از پرداخت سایر مطالبات بدهی صورت می‌گیرد.

سپرده‌گذارانی که تا فرآیند نهایی سرمایه‌گذاری و بازده حاصله از سرمایه‌گذاری وجوه خویش را نزد بانک نگه‌دارند، جزو مطالبه‌کنندگان اصلی عملکرد پرتفوی دارایی‌ها قرار می‌گیرند. در بانکداری سرمایه‌گذاری متقابل، هیات مدیره و مدیران ارشد توسط سپرده‌گذاران (مالکان) انتخاب می‌شوند و معمولاً پاداش خویش را براساس بازده حاصل از دارایی‌های سرمایه‌گذاری شده به دست می‌آورند. سپرده‌گذاران به طور غیرمستقیم و از طریق انتخاب مدیران ممکن است سبد دارایی‌ها را از یک مجموعه متنوع انتخاب کنند. آنها می‌توانند مدیریت پرتفوی را به بهترین نحو جهت کاهش ریسک سرمایه‌گذاری بکار گیرند. بانک‌های سرمایه‌گذاری متقابل می‌توانند با توجه به بازده و ریسک‌های مختلف، گزینه‌های سرمایه‌گذاری متنوعی را به سپرده‌گذاران پیشنهاد کنند. سپرده‌گذارانی که مایل به دریافت بازده احتمالی بیشتری هستند، مخاطره بیشتری را نیز می‌پذیرند و بالعکس.

بکارگیری الگوی حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی توسعه

الگوی حاکمیتی شرکتی در سیستم بانکداری سرمایه‌گذاری متقابل مشابه دیدگاه OECD است که به لحاظ تئوریک عموماً در چارچوب مدل Anglo – American قرار می‌گیرد، زیرا اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه این سازمان عمدتاً در برگیرنده منافع سهامداران (مالکان) است. از دیدگاه OECD، حاکمیت مناسب شرکتی باید هیات مدیره و مدیریت شرکت را به پیگیری اهدافی که به نفع شرکت و سهامداران است ترغیب و نظارت موثر بر این روند را تسهیل کند. به همین لحاظ، اصول حاکمیت شرکتی از این منظر بیشتر براساس ساختار شرکتی تبیین شده است که سهامداران از طریق هیات مدیره به اهداف مورد نظر خویش نائل شوند. از دیدگاه این سازمان، بانک به مثابه یک شرکت، باید حفظ منافع سهامداران را از اولویت‌های اصلی برقراری حاکمیت شرکتی قرار دهد، زیرا در مورد ذی‌نفعان (سپرده‌گذاران) چهار رکن بنیادی انصاف، شفافیت پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری حاکمیت شرکتی تا حد اکثر ممکن اعمال شده است. سپرده‌گذاران در بانکداری مرسوم با اطلاع کامل درخصوص نرخ بازده تعیین شده و قرار گرفتن در زمره مطالبه‌کنندگان اولیه، منافعی که تامين می‌شود. این در

حالی است که اجرای سیستم حاکمیت شرکتی در چارچوب بانک سرمایه‌گذاری متقابل، که سپرده‌گذاران همان مالکان محسوب می‌شوند و نرخ بهره مشخصی به آنها تعلق نمی‌گیرد، می‌تواند بهترین کارایی را برای سیستم بانکداری اسلامی از جمله ایران به همراه داشته باشد. تاسیس این نوع بانک‌ها در ایران باعث می‌گردد بانک‌های ایرانی بتوانند در برابر بازار رقابتی حتی با بانک‌های بین‌المللی رقابت کنند. فعالیت این بانک‌ها ضمن رعایت قوانین شریعت اسلام، باعث ضمانت سپرده‌های افراد می‌شود. در واقع بخش اصلی بدهی‌های ترازنامه بانک‌های اسلامی از بخش حساب‌های سپرده‌گذاران تامین شده است، این در حالی است که بانک‌ها - در صورت رعایت عقود اسلامی - به مشارکت سپرده‌گذاران در سود و زیان ناشی از ابزارهای مختلف سرمایه‌گذاری اکتفا می‌کنند، که صاحبان اصلی حساب‌ها هیچ‌گونه نقشی در روند سرمایه‌گذاری ندارند. ضمن این که با بکارگیری عقود اسلامی ممکن است مدیریت ریسک به خوبی در فرآیند سرمایه‌گذاری اعمال نگردد. دیدگاه پژوهشگر بر آن است که در صورت اجرای سیستم بانکداری سرمایه‌گذاری متقابل در ایران، علاوه بر حل مشکل اساسی موجود در نظام بانکی ایران، که رعایت قانون عملیات بانکداری بدون ربا را با تردید همراه ساخته است، مشکل بنیادی حاکمیت شرکتی را نیز در آنها از میان می‌برد.

به زعم آن که محقق، اجرای این سیستم بانکی را موجب تحولی عمیق و اساسی در نظام بانکداری ایران در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران و اجرای قوانین شریعت اسلام می‌داند، الگوی دیگری را نیز منطبق با قانون بانکداری بدون ربا پیشنهاد می‌کند که لازمه آن اجرای دقیق عقود اسلامی در نظام بانکداری است.

۲-۷- اجرای دقیق قانون عملیات بانکی بدون ربا و بکارگیری الگوی تلفیقی حاکمیت شرکتی

BIS و IFSB

ساختار حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی کاملاً متفاوت با بانکداری مرسوم است، زیرا باید یک مجموعه قوانین شریعت اسلامی را رعایت کنند. اصول متمایز بانکداری اسلامی با بانکداری مرسوم را شاید بتوان در عدم بکارگیری معاملات بر پایه

بهره (ربا)، اجتناب از فعالیت‌های اقتصادی که در برگیرنده قمار باشد و منع ایجاد کالاها و خدماتی که با الگوی ارزش اسلامی مغایرت دارد (حرام) دانست. همانطور که اشاره شد، اگر بانک‌های اسلامی بخواهند قوانین شریعت اسلامی را رعایت کنند، تعارض منافع میان سپرده‌گذاران و سهامداران به وجود می‌آید و حاکمیت شرکتی را در سیستم بانکی تضعیف می‌نمایند. شاید بتوان بهترین روش جهت رعایت انصاف میان سپرده‌گذاران و سهامداران را در شرایط اجرای عقود اسلامی در سیستم بانکی، بکارگیری برنامه هموارسازی بازده‌های حاصل از سرمایه‌گذاری (سود) دانست. IFSB معتقد است که اجرای این برنامه علاوه بر از بین بردن تعارض منافع میان دو گروه یاد شده، باعث مدیریت بهتر ریسک در سیستم بانکی خواهد شد، زیرا در این شرایط تعادل مناسبی میان ریسک و بازده مورد انتظار ایجاد خواهد شد و نگرانی‌های دارندگان حساب سرمایه‌گذاری (سپرده‌گذاران) از نحوه سرمایه‌گذاری وجوه آنها کاهش می‌یابد. با بکارگیری این روش، هرچند سپرده‌گذاران نقشی در انتخاب هیات مدیره و مدیریت ارشد بانک ندارند، لکن انتخاب اعضای هیات مدیره از سوی سهامداران در جهت حداکثر سازی منافعشان و نظارت بر عملکرد آنها در واقع ضامن منافع سپرده‌گذاران نیز خواهد شد، زیرا سود حاصله از فعالیت‌های بانک به صورت عادلانه میان هر دو گروه تقسیم می‌شود.

از دیگر موارد قید شده در اصول حاکمیت شرکتی از طرف IFSB، تشکیل یک کمیته حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی است که کنترل و نظارت بر اجرای دقیق حاکمیت شرکتی را در بانک دنبال کند. شاید بتوان تشکیل این کمیته را به همراه اجرای برنامه هموارسازی سود از مهم‌ترین موارد تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی ایران دانست.

در مجموع شاید بتوان گفت اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه IFSB و BIS بیشتر با قوانین فعلی عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی و بانکی کشور مطابقت کند، بنابراین ممکن است اجرای این اصول در صورت رعایت دقیق قوانین یاد شده کارایی داشته باشد.

۸- نتیجه‌گیری

اجرای حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی به نحو مطلوب باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک مالی و افزایش ثبات آنها می‌شود. در صورت اجرای دقیق حاکمیت شرکتی، تامین مالی بانک‌ها از منابع داخلی و خارجی تسهیل می‌گردد، به طوری که وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران میل و رغبت زیادی جهت تامین مالی بانک‌ها پیدا می‌کنند. اجرای حاکمیت شرکتی منافع بیشماری علاوه بر موارد یاد شده برای بانک‌ها به ارمغان می‌آورد، به طوری که نرخ هزینه سرمایه آنها از طریق کاهش ریسک مربوط به سهامداران و سپرده‌گذاران کاهش می‌یابد، عملکرد عملیاتی آنها بهبود یافته و باعث افزایش شدت مقاومت بانک‌ها در برابر شوک‌های اقتصادی خواهد شد. اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب در شبکه بانکی می‌تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش‌های اقتصاد هموار سازد. یک برنامه حاکمیت شرکتی موثر یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه‌گیری است. شفاف‌سازی و افشاء مالی به موقع تاثیر به سزایی بر رشد شبکه بانکی دارد و بر توانایی آنها جهت رقابت با بانک‌های بین‌المللی می‌افزاید.

ماحصل آن که اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تاثیر قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی کشور دارد و حتی اجرای آن در سیستم بانکی بسیار حیاتی‌تر از سایر سازمان‌ها می‌باشد.

فهرست منابع:

١- لاتین

- ١- Corporate Governance in Islamic Bank, By Nasser M.Suleiman.**
- ٢- Corporate Governance in Institutions Offering Islamic Financial Services, Wafik Grais and Matteo Pellegrini.**
- ٣- Corporate Governance in the Arab Countyies: Role of the Banking System in Ensuring Transparency & Disclosure, By Dr.Nasser Saidi.**
- ٤- Improving Corporate Governance in Islamic Finance, By Hani Kablawi.**
- ٥- Islamic Bank Corporate Governance and Regulation: A Call for Mutualization, By Mohmoud A.El – Gamal.**
- ٦- Mutual Fund Banking: A Market Approach, By Tyler Cowen and Randall Kroszner.**
- ٧- Guiding Principles on Corporate Governance for Institutions offering only Islamic Financial Services, By Islamic Financial Services Board (IFSB).**
- ٨- OECD Principles of Corporate Governance.**
- ٩- Enhancing Corporate Governance for Banking Organisations, By Bank For International Settlements.**